گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۷۱۵۸
یکشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۱ ۱۱:۴۳

زنگ خطر کاهش سن استفاده از مواد مخدر ، روان گردان ها، الکل و ...، به صدا درآمده است!

جولان نوجوانان در اورژانس بیمارستان ها!

این روزها اورژانس بیمارستان ها پر است از صدای ناله ها و ضجه های نوجوان هایی که در غفلت و بی تفاوتی محض خانواده ها، با کاهش سطح هوشیاری در اثر مصرف الکل یا قرص های روان گردان در گعده های دوستانه و پارتی های شبانه، دست و پای خونین و مالین ناشی از تصادف، درگیری با همسالان و یا با آسیب های جدی ناشی از خودکشی و خودزنی و .... به بیمارستان منتقل می شوند.

به گزارش خبر، وحید حاج سعیدی در یادداشت ارسالی با موضوع "جولان نوجوانان در اورژانس بیمارستان ها!" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

عقربه های ساعت، دو نیمه شب را نشان می دهند ولی اورژانس بیمارستان کماکان شلوغ است. زوزه کشدار آژیر آمبولانس سکوت خیابان منتهی به بیمارستان را می شکند و آمبولانس با سرعت وارد حیاط بیمارستان می شود. مصدوم نوجوان ۱۵ ساله ای است که بعد از یک پارتی شبانه، حین انجام حرکات نمایشی با موتور در خیابان با یک کامیون برخورد کرده است و دچار جراحات شدید شده است. دیگر سرنشین موتورسیکلت در صحنه تصادف فوت شده است. کادر درمان خسته از روزهای خاکستری کرونا و شیفت های متوالی بدون مرخصی، حال باید به نوجوانی که نیمه شب هوس انجام حرکات نمایشی در خیابان های بی کسی و بی صاحبی کرده است، خدمات شایسته ای ارائه کنند!

این روزها اورژانس بیمارستان ها پر است از صدای ناله ها و ضجه های نوجوان هایی که در غفلت و بی تفاوتی محض خانواده ها، با کاهش سطح هوشیاری در اثر مصرف الکل یا قرص های روان گردان در گعده های دوستانه و پارتی های شبانه، دست و پای خونین و مالین ناشی از تصادف، درگیری با همسالان و یا با آسیب های جدی ناشی از خودکشی و خودزنی و .... به بیمارستان منتقل می شوند.

کاهش سن مصرف الکل، مواد مخدر و روان گردان، خودکشی های نمایشی و واقعی، استفاده از وسایل نقلیه موتوری بدون داشتن صلاحیت فنی و گواهینامه، خودزنی و ایراد جراحات عمدی، درگیری، نزاع و استفاده از سلاح سرد و ... در بین نوجوانان، ژانر جدیدی از مراجعات به مراکز درمانی را پدید آورده است که با وجود تخت های اشغال شده توسط بیماران کرونایی، کمبود پرسنل و تجهیزات، خستگی مفرط و فرسودگی کادر درمان و ...، ارائه خدمات به این افراد، باعث به وجود آمدن چالش های جدی در بیمارستان های سراسر کشور شده است!

به راستی کادر خسته و بی رمق درمان چه گناهی کرده اند که باید تاوان بی مبالاتی ها و سهل انگاری های خانواده هایی را بپردازند که قادر نیستند، حتی درب منزل خود را قفل کنند یا سوئیچ وسیله نقلیه را در جایی دور از دسترس قرار دهند که نوجوان شان نیمه شب هوس هنر نمایی با موتور و انجام حرکات نمایشی در خیابان ها نکند؟! کجای عرف و قانون نوشته است که خانواده تلاشی برای تربیت فرزند نکند ولی کادر درمان موظف باشد صبورانه طوری که نه زانوی آهوی بی جفت بلرزد و نه کسی متوجه ماجرا شود، قرص های کمبود محبت را از معده دختر ۱۴ ساله خارج کنند و معدهٔ شستشو شده را تا خودکشی نمایشی بعدی، تحویل خانواده دهند؟! و یا از نیمه شب تا طلوع آفتاب زخم ها و جراحت های بدن نوجوان هایی را بدوزند که به جای عقل و شعور، هورمون ها برایشان تصمیم گیری می کنند؛ تازه آزادی های بیشتری هم می خواهند!

بی تعارف در حال تربیت نسلی هستیم که ادب و احترام و به قولی «تافتن از رای مادر و بافتن دل دردمندش به آذر» در قاموس شان هیچ جایگاهی ندارد و توصیه به آموزه های اخلاقی، اجتماعی، بهداشتی، مذهبی، فرهنگی و تربیتی هم برایشان در حکم یاسین خواندن به گوش چهارپا است!

سوگمندانه وقتی پلیس یا مسئولان قضایی نسبت به دستگیری یا توقیف وسیله نقلیه این دست نوجوانان متخلف و هنجار شکن اقدام می کنند، گویی اسب شاه یابو خطاب شده است و خانواده به واسطه داشتن ثروت، پهن کردن یک سفره انتخاباتی و یا رفاقت و نسبت خانوادگی پدر با فلان مسئول، کوچکترین بی حرمتی به فرزندشان را بر نمی تابند و به زمین و زمان متوسل می شوند تا علاوه بر عذر خواهی ماموران و آزادی فرزندشان، وسلیه نقلیه را هم همان شب از توقیف خارج سازند!

بماند که والدین این نوجوانان، هنگام مراجعه به بیمارستان در زمان بروز حادثه برای فرزندان شان، از زمین و زمان طلبکار هستند و تمام مسئولان نظام را از صدر تا ذیل مورد عنایات و توجه ویژه قرار می دهند! بعد هم در قبال شاهکار فرزندشان با تهدید و ارعاب و حتی درگیری و تخریب تجهیزات بیمارستان، از کادر خسته درمان انتظار دریافت خدماتی شبیه به بیمارستان هالیفکس تورنتو دارند! راستی یادمان نرود از بین همه ساختمان های موجود در ادارات کشور تنها فضایی که از نوجوان ۱۲ ساله گرفته تا پیرزن ۸۰ ساله در آن فحاشی می کنند و درصدند سقفش را روی سر پرسنلش خراب کنند، همین ساختمان بی پناه اورژانس است که مشخص نیست کادر درمانش فحش خور ملسی دارند یا مشکل از سقف اورژانس بیمارستان است؟!

ای کاش می توانستیم کمی از بار رسالت تربیت فرزندان را روی دوش خانواده ها بگذاریم! ای کاش می توانستیم به پدری که از شنیدن خبر اولین مصرف الکل توسط فرزندش، لبخند می زند، اخم کردن و روی ترش کردن یاد بدهیم! ای کاش این توان را داشتیم به خانواده ها آموزش دهیم وسلیه نقلیه، اسباب بازی نوجوان دوازده ساله نیست که با سرنوشت خود و دیگران بازی کند! ای کاش رسانه ملی به اندازه یک اینفلوئنسر در جذب مخاطب و تولید محتوی آموزشی و فرهنگ ساز، تاثیرگذاری داشت! ای کاش قانونی تصویب می شد که بین بیماران واقعی و کسانی که در اثر شرب خمر، مصرف قرص های روان گردان و یا بی مبالاتی، سهل انگاری، خودکشی، قلدری و بی فکری دچار حادثه شده اند، فرق بگذارد! ای کاش تعرفه هزینه های تصادف کسانی که با قانون شکنی، بی مبالاتی و خودنمایی، دچار سانحه می شوند، رایگان نبود و هزاران ای کاش دیگر...